

اهداف بعثت و اهداف ظهور

مسن پویا

چکیده

خداوند متعال با ارسال رسولان و بعثت پیامبران، اهداف بزرگی را برای به کمال و سعادت رساندن انسان ها دنبال کرده است. این اهداف و آرمان ها در آیات و روایات ما بیان شده است. از آنجا که امامان معصوم (ع) در پی انبیای الهی جانشینان پیامبر خاتم (ص) و وارثان انبیا هستند، همان رسالت را بر دوش داشتند. در میان ائمه (ع)، خاتم الاوصیاء حضرت مهدی (ع) نیز دنبال کننده همان آرمان هاست که در زمان ظهور حضرت تحقق خواهد یافت. در این مقال به بررسی بخش هایی از اهداف بعثت و اهداف ظهور امام زمان (ع) و تطبیق آنها پرداخته ایم. کلید واژه ها: پیامبران، ائمه، امام زمان، اهداف بعثت و ظهور.

پیامبران الهی از مردم و برخاسته از میان آنان بودند. انسان هایی وارسته و درد کشیده از میان طبقه محروم جوامع و آشنا به مشکلات و دردهای آنان، که دغدغه ای جز هدایت و نجات مردم نداشتند. وارستگانی که بدون هیچ چشم داشتی، در خدمت همه انسان های نیازمند و محروم و در پی هدایت آنان به سر منزل مقصود بودند؛ و برای نجات انسان از انواع فلاکت هایی که به دست بشر بر آنها تحمیل می شد، همه تلاش خود را کردند و

هرگز نیاسودند و احساس خستگی نکردند. تمام مرارت‌ها و سختی‌ها را به جان خریدند تا بتوانند انسان‌هایی را هدایت کنند و راه کمال و سعادت را به آنها نشان دهند. پیامبران الهی برای رسالت خود، اصول، آرمان‌ها و اهدافی را دنبال می‌کردند و همواره بر این اندیشه بودند که به آن اصول و اهداف دست پیدا کنند. اندیشه ای الهی که جز خدا و آرمان‌های الهی، چیزی را در نظر نداشت و تحمل همه سختی‌ها را برایشان آسان می‌کرد. با نگاهی به قرآن کریم و آنچه در زمینه اهداف پیامبران در روایات آمده، به چند هدف و اصل کلی برخورد می‌کنیم، که بازگو کردن آنها شایسته این مقال است، گرچه بررسی و تحلیل هر یک در آیات و روایات نیازمند تأملات و بررسی‌های موشکافه است.

از آنجا که ائمه معصومین (ع) نیز وارثان انبیا و ادامه دهندگان راه آنان و پی‌گیر اهداف آنان بودند، مشترکات فراوانی در فعالیت‌های آنها به چشم می‌خورد، به ویژه آن که امامان معصوم (ع) به تصریح خودشان راه جدشان پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله (ص) را نصب العین خود قرار داده، و خویشان را متعهد به انجام آن می‌دانستند.

با توجه به نکته فوق و بررسی آیات و روایاتی که مربوط به ظهور حضرت مهدی (ع) است، به خوبی مشاهده می‌کنیم که امام زمان (ع) نیز در پی تحقق اصول و اهداف پیامبر اسلام (ص) است، همان که پیامبر خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) او را وارث زمین، در کنار مستضعفان و محرومان جهان می‌دانستند و برای نجات امت، همگان را به کوشش در راه انتظار فرج او فرا می‌خواندند؛ و این انتظار را عبادتی بزرگ بر می‌شمردند و تنها راه نجات را، به سر آمدن این انتظار و ظهور منجی بشریت برای برپایی عدالت بیان می‌کردند.

اهداف بعثت و ظهور

۱. برپایی عدالت و دادگری: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (الحديد، ۲۵/۵۷)؛ «هر آینه پیامبران را با نشانه‌های روشن مبعوث کردیم، و با آنان کتاب و میزان فرستادیم، تا همگان، به قسط و دادگری برخیزند».

بدین سان قرآن کریم با صراحت بیان می‌دارد که یکی از اهداف رسالت پیامبران، رساندن مردم به جایگاه عدل و دادگری است و همه چیز باید بر پایه داد و دادگری و عدالت باشد. از این رو با فریادی رسا و آشکار داد برآوردند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ

لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (المائدة، ۸/۵)؛ «های ای اهل ایمان! قیام کنندگان استوار و همیشگی برای خدا باشید، شایسته و سزاوار نیست که از عدالت فراتر روید. عدالت ورزید که آن به تقوا نزدیکتر است».

این گونه است که امام رضا(ع) از زبان آباء و اجدادش بیان می دارد که پیامبر خدا(ص) فرمود: «دنیا به پایان نمی رسد تا آن که مردی از فرزندان حسین بن علی(ع) برای برپایی امورات این امت برمی خیزد و جهان را از عدالت پر می سازد، آنچنان که ظلم و ستم، سراسر آن را فرا گرفته است».^۱

امام صادق(ع) نیز می فرماید: «رسول خدا(ص) فرمودند: مهدی از فرزندان من است. اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. او شبیه ترین مردم از نظر صورت و سیرت به من است. وی دارای غیبتی و حیرتی است تا آنجا که همگان در دین خود دچار گمراهی می شوند، آنگاه همچون شهابی درخشان و شکافنده ظلم و ظلمت ها می آید. پس آنگاه پر می سازد جهان را از عدل و داد، آنچنان که از ظلم و ستم پر شده بود».^۲

آری تا آنگاه که ظلم و ستم بر چیده نشود، امکان ندارد که این آرمان و هدف بزرگ انبیا تحقق یابد و حضرت مهدی(ع) برای این هدف عالی ظهور خواهد کرد و آن را برای همه جهانیان به ارمغان خواهد آورد و بشریت گرفتار ظلم و ستم را نجات خواهد بخشید.

۲. باطل کردن رفتارهای جاهلی: در سوره اعراف مردمان را به پیروی از پیامبران دعوت می کند که: «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (الأعراف، ۱۵۷/۷)؛ «پیامبری را پیروی کنید، که بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر دوش و گردنشان بوده برمی دارد».

این زنجیرها و بارهای سنگین، برگزیدن اربابی غیر خدا بود و در واقع پیروی از خدایگان دیگر چنان که در آیه ۶۴ سوره آل عمران به آن اشاره می کند. دیگر دوری از طاغوت و پیوستن به پیروی از خداست که در آیه ۳۶ سوره نحل بیان داشته است.

امام علی(ع) می فرماید: «أما بعد، فإنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) لِيُخْرِجَ عِبَادَةَ عِبَادَةِ اللَّهِ إِلَى عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ عَهْدِهِ عِبَادَةَ اللَّهِ عِبَادَةَ اللَّهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ عِبَادَةِ اللَّهِ إِلَى طَاعَتِهِ، وَ مِنْ وَلايَةِ عِبَادَةِ اللَّهِ إِلَى وَلايَتِهِ؛ خدای متعال محمد(ص) را مبعوث کرد تا بندگان او را از پرستش بندگان به پرستش خدا؛ از پیمان بستن با بندگان، به پیمان بستن با خدا، و از فرمانبرداری بندگان به فرمانبرداری او، و از پذیرش حاکمیت بندگان به پذیرش حاکمیت او باز آورد».^۳

این رسالتی است که بر دوش امامان(ع) نهاده شد و آنان نیز به خوبی بر این پیمان استوار ماندند تا آنجایی که امام باقر(ع) درباره رسالت امام مهدی(ع)، آنگاه که سؤال می شود به کدامین سیره و روش مردم را سوق می دهد؟ حضرت می فرماید: «بسیره ما سار به رسول الله(ص) حتی يظهر الاسلام»، قلت: و ما كانت سيرة رسول الله(ص)؟ قال: «الباطل ما كانت في الجاهلية، و استقبال الناس بالعدل، و كذلك القائم(ع) اذا قام يبطل ما كان في الهدنة مما في أيدي الناس و يستقبل بهم العدل». «آری امام مهدی(ع) به سیره پیامبر خدا(ص) عمل می کند، که آن ابطال عادات جاهلی و بازگشت به گذشته است، و روی آوری به راه اعتدال است، همان گونه که حضرت مهدی آنگاه که قیام کند، آنچه در گذشته بود باطل می کند و عادات رسمی بی محتوا و بی ارزش را از بین خواهد برد و آنان را به راه صحیح و راست گونه فرامی خواند».^۴

۳. دعوت به اخلاق نیکو: یکی از اهداف بلند پیامبران، دعوت مردم به رفتارهای شایسته و قابل قبول اخلاقی است. از این رو در همه حال مردم را به بهترین و شایسته ترین کارها دعوت می کردند. این گونه است که رسول خدا(ص) می فرماید: «بعثت لاتمم مکارم الأخلاق» و «بعثت بمکارم الأخلاق و محاسنها»^۵. و نیز قرآن این رسالت عظیم را این گونه ترسیم می کند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (سوره الجمعة، ۲/۶۲)؛ اوست آن که رسولی را در میان مردم برانگیخت، تا آیات او را بر ایشان فرو خواند و کردار و اعمال آنان را پاکیزه سازد، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد».

تزکیه و تعلیم و رهنمون ساختن مردم به حکمت های الهی، یکی از اهداف رسالت انبیای الهی به ویژه پیامبر اسلام(ص) است. از این رو جملات گوناگونی از پیامبر(ص) نقل شده است از جمله: «و إنما بعثت لاتمم صالح الأخلاق» و یا «حسن الأخلاق».^۶

امام صادق(ع) نیز درباره اخلاق منتظران حضرت مهدی(ع) می فرماید: «إن لنا دولة يجيء الله بها إذا شاء»، ثم قال: «من سره أن يكون من أصحاب القائم فليتنظر و ليعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر...»؛ «برای ما دولتی پایدار خواهد بود و آنگاه که خداوند بخواهد تحقق خواهد یافت». سپس فرمود: «آن کس که دوست دارد از یاران او باشد، پس به انتظار باشد و باید عمل به پاکی ها کند و رعایت نیکوترین اخلاق را داشته

باشد. این شخص منتظر حقیقی است».^۷

امام باقر(ع) نیز فرمود: «اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رثوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم؛ زمانی که قائم ما قیام کند، دست بر سر بندگان می نهد، آنگاه عقل های آنان جمع می شود و اخلاق آنها به کمال خود می رسد».^۸

۴. ارتقای سطح زندگی مردم: «وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (البقره، ۱۶/۴۵)؛ «به بنی اسرائیل کتاب و فرمانروایی و پیامبری دادیم، و چیزهای پاکیزه روزی شان ساختیم و آنان را بر جهانیان برتری بخشیدیم».
«وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (یونس، ۱۰/۹۳)؛ «بنی اسرائیل را [پس از نابودی فرعون] جایگاهی پسندیده دادیم و از روزی های پاک نصیبشان کردیم».
آری پیامبران برای مردم برکت ها می آوردند و تلاش کردند و سطح زندگی مردم را بالا ببرند و به آنها زندگی و آرامش و آسایش ببخشند. خداوند متعال نیز به برکت وجود آنان؛ به آنها برتری، شرافت، بزرگی می بخشد و به جایگاهی رفیع و پسندیده می رساند.

مهدی موعود(ع) نیز در تلاش برای بازگرداندن آنچه مردم به ستم از دست داده اند، می باشد. آنچه را حاکمان جور برای خویش اندوخته اند، در راه محرومان و مستمندان می نهند و به جایگاه اصلی خود بر می گرداند. از این رو است که امام صادق(ع) می فرماید: «اذا قام القائم حکم بالعدل و ارتفع فی آیامه الجور، و آمنت به السبل، و أخرجت الأرض برکتها و ردّ کل حقّ إلی أهله...؛ آن گاه که مهدی(ع) ما قیام می کند، به عدالت حکم کند و روزگار ستم را بر می چیند، راه ها را امن می سازد، زمین برکاتش را برای راحتی و آسایش مردم بیرون می ریزد، و تمام حقوق حق داران به آنان باز گردانده می شود».^۹

در کلام دیگری امام صادق(ع) می فرماید: «آن هنگام که قیام امور به صاحب الامر(ع) منتهی شد، خداوند تبارک و تعالی همه پستی و بلندی های زندگی را هموار می سازد و هر چیز را به جایگاه واقعی خود بر می گرداند، تا آنجا که دنیا برای معیشتی آرام و آسایشی فراگیر، فراهم می آید و همگان به حقوق واقعی خود می رسند».^{۱۰} و هم چنین می فرماید: «سطح زندگی مردم به آنجا می رسد که برای مصرف زکات، احدی را پیدا نمی کنند و مردمان آنچنان بی نیاز می شوند که برای دریافت صدقه، کسی باقی نمی ماند».^{۱۱}

۵. ارائه دینی جدید: با بعثت پیامبر اکرم(ص) دینی جدید ظهور کرد که منسوخ کننده

همه ادیان قبلی و خواسته های جاهلیت بود. این گونه بود که در مقابل آن ایستادند و پیامبر اسلام (ص) را به ده ها اتهام متهم می کردند. او را ساحر و جادوگر خواندند، وی را پایمال کننده آداب و رسوم گذشت گانشان دانستند. اما رسول خدا (ص) در برابر همه آنها ایستاد و از دین جدید خدا دفاع کرد تا مردم را تسلیم امر الهی کرد.

آنگاه که امام زمان (ع) می آید، او را نیز به این اتهامات، می خواهند از صحنه بیرون کنند و بسیاری کسانی که او را نمی پذیرند و لی خارج از دین پنداری خود می دانند.

امام صادق (ع) این دو تصویر زیبا را به خوبی بیان داشته و بعثت و ظهور را به هم ملحق کرده و فرموده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بَدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ؛ آن روزگار که مهدی ما ظهور کند با دینی جدیدی می آید آن چنان که رسول خدا در ابتدای اسلام به امری جدید مردمان را فراخواند». ۱۲

۶. اوج برادری و صمیمیت و یکدلی: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (الحجرات، ۱۰/۴۹)؛ «مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود اصلاح کنید» و «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران، ۱۰۵/۳)؛ «همچون کسانی نباشید که با رسیدن آیات آشکار و روشن، باز گرفتار پراکندگی و اختلاف شدند».

پیامبران برای برقراری وحدت و همدلی آمدند و در این راه تلاش های فراوان کردند. آنان در هر سرزمینی قدم نهادند، به مصالح قبایل و مردم پرداختند و آنان را با جدیت از تفرقه برحذر داشتند: «لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (الأنفال، ۴۶/۸)؛ «با یکدیگر نزاع نکنید، و گر نه ضعیف می شوید و نیروهایتان هدر می رود».

این جمله بلند قرآنی، از شعارهای برخاسته از شعور پیامبری، از اهداف و رسالت رسولان الهی است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳/۳)؛ «به ریسمان محکم و به هم تنیده الهی چنگ زبید و پراکنده نشوید».

درباره حکومت حضرت مهدی و همدل گشتن مردم، امام باقر (ع) به بریدعجلی آنگاه که از برخی اصحاب در کوفه تعریف کرد، فرمودند: «مردم در همه دوران ها به عقب برگشته اند و رعایت حدود الهی را نمی کنند و با هم برادری و همدلی ندارند، مهدی ما قیام می کند، قیامی همراه رفیق و رفاقت، صدق و صداقت خالص و آن چنان یاران او به هم نزدیک و یکدل می شوند که هر کس حاجتی دارد از جیب دوستش برمی دارد و کسی

مانع او نمی شود و سپس آن را بر می گرداند» ۱۳.

۷. ارتقای سطح علم و دانش و مبارزه با نادانی: «رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (الطلاق، ۱۱/۶۵)؛ «رسولانی که آیات روشن و روشنگر خدا را بر شما می خوانند، تا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند از تاریکی های جهالت به روشنی در آورد».

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴/۳)؛ «خداوند بر مؤمنان منت نهاد، که در میان آنان رسولی از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر مردم بخواند و آنان را پیراسته سازد، و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند در گذشته، در گمراهی آشکار [و جهل و نادانی] بودند».

رسالت پیامبران، دیگر بار در این آیات و آیات مشابه آن به روشنی بیان شده و آن نجات از جهالت و گمراهی است. جهالتی که مورد سوء استفاده حاکمان جور و ستم قرار می گیرد و باعث می شود مردمان در عقب ماندگی و استضعاف قرار گیرند، و پیامبران برای بیداری آنان تلاش می کنند، لذا پیامبر (ص) می فرماید: «بِالتَّعَلُّمِ ارْسَلْتُ؛ مرا فرستاده اند تا معلم باشم»^{۱۴}. و امام علی (ع) درباره اهداف بعثت پیامبران می فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا... لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ... وَيُثَبِّتَ لَهُمُ الْعَقْلَ؛ رسولان را خداوند فرستاد تا ميثاق فطری را بازستانند و نیروهای پنهان عقل و خرد آدمی را آشکار سازند»^{۱۵}.

درباره حکومت امام زمان (ع) هم در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده است: «مردی از ما اهل بیت خواهد آمد که چنین و چنان خواهد کرد و حکمت و علم را تا آنجا بالا می برد؛ و سطح آگاهی مردم به آنجا خواهد رسید که حتی زنان در خانه خویش با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص)، قدرت قضاوت پیدا کنند»^{۱۶}. و در کلام دیگری فرمود: «آنگاه که قائم ما قیام می کند و سیطره او بر سر بندگان قرار می گیرد، عقل آنان ارتقا می یابد و فهم و درک در آنها جمع می شود»^{۱۷}. امام صادق (ع) در سخنی که مفضل نقل می کند به این نکته اشاره می کند که: «با ظهور قائم ما، زمین به نور الهی درخشان می شود و بندگان به نورانیتی می رسند که دیگر نیازمند نیستند؛ و ظلمت و تاریکی و جهالت از آنها دور می شود و گنج های زمین به روی مردم باز می گردد»^{۱۸}.

۸. برچیدن بساط دولت های باطل: پیامبران الهی با فرمان خداوند برای نجات انسان ها و برچیدن حکومت های جور و ستم آمدند و در مقابل طاغوت ها و فرعون ها ایستادند و عاقبت، حکومت آنها را برچیدند، که در داستان های نقل شده در قرآن مجید، این نکته بیان شده است، آنگاه که مترفین و شاد خواران و جبّاران و گردنکشان در مقابل پیامبران می ایستادند. از جمله آیات ۲۳ تا ۲۵ سوره زخرف که در خاتمه می فرماید: «فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَدِّينَ»؛ «این شد که ما از ایشان انتقام گرفتیم و اکنون بنگر که عاقبت تکذیب کنندگان حق و حقیقت چگونه بوده است».

این وعده الهی برای محرومان و مستضعفان داده شده که در حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (التقصص، ۵/۲۸)؛ «اراده نهایی خداوند بر آن قرار گرفته و بر مستضعفان جهان منت نهاده است تا آنان را امام، رهبر و وارث جهان قرار دهد».

امام باقر (ع) آنگاه که تفسیر برخی آیات را بیان می دارد به آیه ۸۱ سوره اسراء می رسد: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» می فرماید: «و إذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛ آن گاه که قائم قیام کند، دولت باطل باقی نمی ماند و بساط حکومت های جور برچیده می شود». ۱۹ و در حدیثی امام صادق (ع) می فرماید: «لیس له فی دولة الحق مع القائم نصیب؛ با آمدن دولت مهدی موعود، دیگر نصیب و بهره ای برای دنیا خواران باقی نمی ماند». ۲۰ در این زمینه نکات فراوان دیگری وجود دارد که فرصت بیشتری می طلبد.

۱. بحار الأنوار، ۵۱/ ۶۶.	۱۱. همان/ ۳۳۷ و ۳۳۹.
۲. همان، ۱۶/ ۷۲.	۱۲. همان/ ۳۳۸.
۳. الحیة، ۲/ ۳۵.	۱۳. همان/ ۳۷۲.
۴. بحار الأنوار، ۵۲/ ۳۸۱.	۱۴. الحیة، ۲/ ۵۴.
۵. المیزان، ۶/ ۳۰۸.	۱۵. همان.
۶. طبقات الكبرى، ۱/ ۱۹۲.	۱۶. بحار الأنوار، ۵۲/ ۳۵۲.
۷. الغیبة «نعمانی»/ ۲۰۰.	۱۷. همان/ ۳۳۶.
۸. بحار الأنوار، ۵۲/ ۳۳۶.	۱۸. همان/ ۳۳۷.
۹. همان/ ۳۳۸.	۱۹. بحار الأنوار، ۵۱/ ۶۲.
۱۰. همان/ ۳۲۸.	۲۰. همان/ ۱۳.

